

نهایی منتقل می‌سازند. به عبارت دیگر کتابشناسی هم به یک فرایند اطلاق می‌شود و هم به عینیتی که حاصل آن فرایند است. در این باب شاید بهترین تبیین از مالک (Malcles) باشد که کتابشناسی و فن کتابشناسی را بدین شکل از یکدیگر تفکیک می‌کند که منظور از فن کتابشناسی کاربرد قوانین مشخص جهت جستجو، تشخیص، تبیین و رده‌بندی مواد و مدارک است و این فن به حاصلی می‌انجامد که آن را کتابشناسی می‌خوانیم.^۱

«کتاب نیز کتابشناسی را از دو نقطه نظر بررسی می‌کند: به عنوان یک علم و به عنوان یک فن. وی معتقد است که کتابشناسی به عنوان یک علم پیکره منتظمی از دانش بشری است که به کتابها از تمام جهات و جوانب می‌نگرد (خواه به عنوان واحدهای فیزیکی و یا وسیله‌هایی برای انتقال افکار و عقاید). به عنوان فن، کتابشناسی شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که به گرد آوردن، تنظیم و ارائه اطلاعاتی درباره کتابها منجر شود.»^۲

در فرهنگ اصطلاحات داکوماناسیون، کتابشناسی بدین گونه تعریف شده است:

۱- دانشی است که به تجزیه و تحلیل کمی و کیفی و تاریخی آثار و نوشته‌های مکتوب می‌پردازد.

۲- دانشی است که تحویل آثار مکتوب را در طول تاریخ و با توجه به عوامل مؤثر و متأخر مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۳- به مجموعه‌ای که حاوی اطلاعات کتابشناسی آثار خطی و یا چاپی بوده و با نظم مخصوص و با قصد استناد و ارائه اطلاعات تهیه شده باشد نیز اطلاق می‌گردد.

۴- از روی مسامحه در معنای کتابنامه (اثری که فقط کتابهای مربوط به یک شخص یا یک رشته را معرفی کند) هم به کار می‌رود.^۳

«در عصر حاضر حجم انتشارات به صورتهای گوناگون، اعم از کتاب یا مقاله یا دیگر اشکال انتشاراتی،

۱. حری، عباس: وحدت در کتابشناسی، نامه انجمن کتابداران، دوره ۹، ش ۲، (تابستان ۱۳۵۵) ص ۲۰۷-۲۰۸.

۲. همانجا، ص ۲۰۹-۲۱۰.

۳. برومند، فیروزه: راهنمای تدوین کتابشناسی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۵.

کتابشناسی، نخستین گام اطلاع‌رسانی

حسین مسرت

از آن هنگام که بشر توانست اندیشه خود را مکتوب سازد، سده‌ها می‌گذرد. رفته رفته، گستردگی و تنوع کتابهای تألیف شده، نیاز به تدوین فهرست یا سیاهه‌ای پیدا کرد که اندیشوران و پژوهندگان از طریق آن بتوانند از آنچه پیشینیان یا کسان دیگر در موضوع مورد علاقه خود نوشته‌اند، آگاهی یابند. این کار دو حسن داشت: نخست، راه دستیابی به اطلاعات و آموخته‌ها و تجربه‌ها را آسان می‌کرد و دیگر آنکه مانع از دوباره‌کاری می‌شد.

تعریف کتابشناسی

درباره کتابشناسی تعریفهای گوناگونی داریم. برخی بر این باورند که «کتابشناسی عموماً ناظر بر دو انگاره است: یکی اطلاق بر آن دسته از فعالیت‌های انسان که مواد نوشته در آن دخالت دارند، دیگری ابزارها و خدمات واسطه که مواد نوشته را از تولیدکننده به استفاده‌کننده

در حدود پنج قرن قبل از میلاد مسیح کراتی نوس میچر، از اهالی یونان، کلمه کتابشناس را به معنی نویسنده یا کاتب کتاب به کار برده است. کتابشناسی به این معنی تا سال صد میلادی به کار برده شده و از آن ایام به بعد شخص دیگری به نام، «دیوسکوریدز» کلمه بیلوگرافیا را که به معنی نوشتن کتاب می باشد، معرفی نمود.^۷

آقای کامرانی فانی درباره پیشینه تهیه این گونه فهرستها و کتابشناسیها می نویسد:

«قدمت تهیه چنین فهرستهایی به یک معنی با قدمت کتابخانه ها برابر است. کتابخانه آنتورپینال (قرن ۷ ق. م) که از دهها هزار الواح گلی تشکیل یافته بود، دارای فهرستی بود که آن هم بر روی لوحه های گلی نقر شده بود. کتابخانه بزرگ اسکندریه نیز که به قولی ۶۰۰ هزار طومار و کتاب در آن وجود داشت، دارای فهرست موضوعی کتابها بود. پس از اختراع چاپ فزونی گرفتن انتشار کتاب، تهیه و تدوین کتابشناسی در اروپا مورد توجه قرار گرفت.^۸»

آقای افشار نیز درباره کتابشناسی جدید در اروپا مرقوم داشته است:

«نخستین گام کتابشناسی اروپائی در سال ۱۴۹۴، یعنی پس از ۳۷ سال که از ایجاد صفت چاپ می گذشت، به نام Liber de scriptoribus ecclesiasticis شامل فهرست آثار مؤلفین کلیسا انتشار یافت. ... اولین کتابشناسی جهانی از نوع عمومی فهرستی است که Co-nurd Gesner، زبانشناس زوریخی، به نام Bibliotheca universalis به سال ۱۵۴۵ به طبع رسانید که در آن فهرست پانزده هزار کتاب لاتینی، عبری و یونانی به ترتیب الفبایی اسم شخصی مؤلفین جمع آوری شده بود.

چون صفحه و نوار، به حدی است که برای پژوهشگران و نیازمندان به این اطلاعات و دستیابی به این منابع بدون بهره گرفتن از منابع و مراجع نظام یافته نامحتمل و حتی گاهی ناممکن می باشد. از جمله این مراجع می توان از انواع کتابشناسیها یاد کرد. کاربردهای عمده کتابشناسیها را شاید بتوان به شرح زیر خلاصه کرد:

کتابشناسی وسیله ای است برای انتخاب کتاب و دیگر منابع در زمینه مورد نظر.

کتابشناسی وسیله گردآوری اطلاعات کتابشناختی نوشته های مربوط به یک موضوع است.

کتابشناسی وسیله ای است برای بهره گیری بهتر از دانش موجود و از تجربه های دیگر جوامع.

کتابشناسی وسیله ای است برای اعتلای سطح کیفی پژوهشها.^۹

افرادی همچون دکتر اس.ار. رانگاناتان دکوماناسیون را مترادف با کتابشناسی گرفته اند. «با این تفاوت که وظیفه تحلیل جزئیات مطالب مندرج در مقالات نشریات و تنظیم کتابشناسیها، خدمات مرجع و تکثیر ماشینی مطالب مورد نیاز خوانندگان را در حوزه فعالیت دکوماناسیون شناخته است. رانگاناتان می گوید:

«دکوماناسیون چیزی نیست مگر خدمات مرجع گسترش یافته. ^{۱۰}» و تهیه کتابشناسیها را یکی از خدمات دکوماناسیون می داند. اما «کانتیکار» در مقاله دکوماناسیون و علم کتابداری متذکر می گردد: اصطلاح کتابشناسی و دکوماناسیون عملاً با دو معنا و کاربرد متفاوت نزد اهل فن معروف گردیده است. کتابشناسی، چه در معنای سنتی و چه در معنای قراردادی، معمولاً به سیاهه کتابها یا به عبارت دیگر، به کلان اطلاق می شود. حال آنکه دکوماناسیون برای مواد غیر چاپی و بویژه برای مواد خرد به کار رفته است.^{۱۱}»

**

تاریخچه کتابشناسی

الف) در جهان

«کلمه کتابشناسی طبق نوشته پیرسن، سابقه ۲۵۰۰ ساله دارد. کلمه کتابشناسی که اغلب به طور عام به کار می رود، نشان دهنده فهرست کتابهایی است که از نظر موضوع نزدیک به یکدیگر باشند.

۴. نیکام، مهرداد: کتابشناسی حافظ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۹.

۵. کانیتکار، جی ام: دکوماناسیون و علم کتابداری، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، اطلاع رسانی، س ۵. ش ۱ (بهار ۵۷). ص ۱۵۱۳.

۷. تسییحی، غلامحسین: نگرشی جامع بر جهان کتابشناسیها، تبریز: نیما، ۱۳۶۵، ص ۲۴.

۸. فانی، کامران: کتابشناسی موضوعی فارسی، نامه انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۲، ص ۵۷.

در سال ۱۵۴۸ نخستین کتابشناسی مربوط به تألیفات نویسندگان یک مملکت که آن را باید اولین «کتابشناس ملی» نامید، توسط John Bale در انگلستان منتشر شد.^۹

ب) در اسلام و ایران

آقای ایرج افشار در مقدمه فهرست نامه کتابشناسیهای ایران مرقوم داشته است:

«فن کتابشناسی در ایران از نظری جوان و از جهتی کهنسال است. جوان است به اعتبار آنکه فن کتابشناسی به شیوه علمی اروپایی بیش از چند سالی نیست که در ایران رواج یافته و کوششهای مقدماتی در این زمینه آغاز شده است. اما کهنسال و سالخورده است، بدان علت که تدوین فهرست کتب از قرون چهارم و پنجم در پهنه اسلامی عالم باب بوده است و کتب اختصاصی در این باب از آن ایام به جای مانده و در کتابهای رجال و طبقات روایات و احوال علما و نویسندگان، فهرست آثار و کتب آنها ذکر می شده است. کتابهای الفهرست و فهرست طوسی و فهرست منتجب الدین از مراجع مهم کتابشناسی ملل اسلامی و در شمار کتابشناسیهای قدیمی جهان به شمار می آید.»^{۱۰}

در عصر کنونی پیشگام تدوین کتابشناسی در ایران را می توان آقابزرگ تهرانی نام برد که در مجلدات بیست و شش گانه کتاب نام آور خود، الذریعه الی تصانیف الشیعه، به گردآوری و شناسایی چندین هزار جلد کتاب عربی و فارسی پرداخته که به وسیله دانشمندان و نویسندگان شیعه مذهب نگارش یافته است.

اما تألیف کتابشناسی فارسی در ایران به شیوه ای که امروز رایج است، سابقه چندانی ندارد و نخستین قدم را در این زمینه ایرج افشار با تألیف کتابشناسی ایران برداشت. وی در سال ۱۳۳۳ موفق شد با همکاری حسین بنی آدم نخستین کتابشناسی علمی و روزآمد زبان فارسی را به چاپ برساند. از آن زمان این کتابشناسی با عناوین تقریباً مشابهی از سوی انتشارات ابن سینا و انجمن کتاب چاپ شد. از سال ۱۳۴۲ کتابخانه ملی ایران عهده دار چاپ کتابشناسی سالانه ایران شد و خدمتی بس بزرگ به امر گسترش مطالعات و فرهنگ ایران و زبان فارسی کرد. نقص عمده و بزرگ کتابشناسی کتابخانه ملی دربر نداشتن نام بسیاری از انتشارات بنگاههای دولتی و برخی

ناشران خصوصی (به واسطه نبودن قانون اعطای یک نسخه از هر کتاب به آن کتابخانه) است.

دومین گام را در این زمینه مرحوم خانابا مشار با تألیف فهرست کتابهای چاپی فارسی برداشت که نخستین جلد آن به سال ۱۳۳۷ چاپ شد. این فهرست بعدها با افزودگیهایی توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۲ در سه جلد چاپ شد. همزمان با آن نیز مشار خود به تکمیل کار پرداخت و به چاپ دوره پنج جلدی آن در سال ۱۳۵۵ - ۱۳۵۰ همت گماشت. از مزایای برجسته این کتاب دربر داشتن نام بسیاری از کتابهای چاپ شده سراسر ایران است که به واسطه مسافرتها مکرر مؤلف به شهرهای ایران و عراق میسر گردیده است. «مشار یک تنه به این کار پرداخته و با شوقی وافر سراسر خاک ایران و عراق را زیر پا گذارده و در طی سی سال به هر کتابخانه و دکه کتابفروشی در تهران و قم و اصفهان و مشهد و تبریز و نجف و کربلا سرزده. هر کجا یادداشت برداشته و مجموع این عرق ریزی روح را در دو مجلد در ۱۳۳۷ - ۱۳۴۲ منتشر کرده است ... کتاب مشار مهمترین مأخذ شناخت کتابهای چاپی فارسی است.»^{۱۱}

به تعبیری دیگر می توان نخستین کوششها را در این زمینه فهرست کتابخانه های تبریز (۱۳۰۲) مجلسی (۱۳۰۵) و آستان قدس رضوی (۱۳۰۵) دانست و در مرحله بعد به فهرست کتابهای ناشران خصوصی ایران، همچون کلاله خاور (۱۳۱۱) علمی (۱۳۲۵) به عنوان کتابشناسیهای عمومی اشاره کرد.

اما کتابشناسی موضوعی در مقایسه با کتابشناسیهای عمومی یا به عبارتی فهرست کتابها از پیشینه نسبتاً کمتری در ایران برخوردار است. فهرستی از این گونه کتابها که در موضوعات گوناگون در ایران چاپ شده، در سه کتاب فهرست نامه کتابشناسیهای ایران

۹ و ۱۰. افشار، ایرج: فهرست نامه کتابشناسیها، ایرانشناسی، ش ۱، بهمن ۱۳۴۲، ص ۱.

۱۱. کتابشناسی موضوعی فارسی، همانجا ص ۷۹.

ضرورت کتابشناسی

«کتابشناسی و فهرست راهنما از ابزار مهم تحقیق و کلید پژوهش علمی است. در سالهای اخیر با اینکه تدوین و چاپ کتابشناسیهای موضوعی در ایران رایج شده است، اما هنوز برای مجلات و نشریات ادواری فهرستهای مدون وجود ندارد و این کمبود با توجه به حجم عظیم انتشارات زمانی آسان و از نظر صرف وقت مقرون به صرفه می شود که بتوان عناوین مقالات و رؤوس مطالب آنها را استخراج و با نظامی الفبایی مرتب کرد تورق همه شماره های یک نشریه برای دستیابی به مطلبی خاص برای علاقه مندان و خوانندگان عادی شاق و برای پژوهشگران بس وقت گیر است و فهرست جامع بهترین وسیله در دسترس است که می تواند آن را در این راه یاری کند.»^{۱۴}

این نکته نیز درخور گفتن است که همان اهمیتی که کتابشناسی دارد، کتابشناس نیز دارد؛ چنان که آمده است: «کتابشناس کسی است که بداند در [هر] علم بخصوصی چه کتابهایی موجود است و چه کتابهایی انتشار یافته، و از چه منابع و مآخذی می توان درباره آن علم کسب اطلاع کرد.»^{۱۵}

اینک با توجه به اهمیت کتابشناسی باید بنگریم که کتابشناسیها در اجتماع به درد چه گروه از مردم خواهد خورد. بنا به نظر دکتر محسن صبا اهم گروههایی که می توانند در این مسأله ذی نفع باشند، بدین قرار هستند:

- ۱- دانشمندان و پژوهندگان، که جویای آگاهی از دانسته ها و تحقیقات جدید هستند.

- ۲- کتابداران، که پاسخگوی تشنگان دانش و فرهنگند.

- ۳- دوستداران کتاب، که در پی غنی ساختن مجموعه های خویشند.

- ۴- کتابفروشان، که با آگاهی از کتابهای پرخواننده و پرفروش در اندیشه جلب مشتری می افتند.

۱۲ و ۱۳. صبا، محسن: اهمیت کتابشناسی، کتابداری دفتر چهارم. ص ۳۵-۳۶.

۱۴. رونق، محمدعلی: فهرست راهنمای ده ساله نشر دانش، تهران: مرکز دانشگاهی، ۱۳۷۰. ص ۱.

۱۵. اهمیت کتابشناسی، همانجا، ص ۳۵.

(ایرج افشار)، نگرشی جامع بر جهان کتابشناسی های ایران (غلامحسین تسییحی) و کتابشناسی کتابشناسیها و کتابشناسی کتابشناسیهای موضوعی (علی آقا بخشی) آمده است.

خوشبختانه در چند سال اخیر پا به پای گسترش علوم گوناگون در ایران چاپ کتابشناسیهای موضوعی نیز رواج نسبتاً خوبی پیدا کرده است.

*

اهمیت و ضرورت کتابشناسی

در اهمیت کتابشناسی همین بس که بدون آن هیچ پژوهشی به طور کامل به سامان نمی رسد. برای مثال هرگاه خواسته باشیم درباره زندگی و آثار یک سخنور سده دهم (مانند وحشی بافقی) تحقیقی جامع و وافی بنماییم، اگر ندانیم در چه کتابها و نشریاتی می توانیم در این باره مطلب یا شرحی بجوییم، بی گمان وقت و نیرویمان را هدر داده ایم. روزها و گاه سالها وقت خواهد برد تا تمامی نشریات و کتابهای ادبی و تاریخی را از دیده بگذرانیم و مطلب مورد نظر را بیابیم. در حالی که تنها با مراجعه به چند کتاب، همچون فهرست مقالات فارسی (در چهار جلد تألیف ایرج افشار) و فرهنگ سخنوران (عبدالرسول خیامپور) می توان سریعتر و آسانتر به خواسته رسید.

در زبان لاتین جمله ای مشهور است که گفته شده است: «کسی که می داند علمی در کجا یافت می شود به آن کسی که عالم آن است نزدیک می شود.»^{۱۲}

ساموئل جانسون، محقق و فرهنگنویس انگلیسی، در این باره می گوید:

دانش بر دو قسم است: یا موضوعی را می دانیم و یا می دانیم در کجا می توانیم اطلاعاتی درباره آن بیابیم.

وقتی ما راجع به هر موضوعی می خواهیم تحقیق کنیم، نخستین کاری که باید انجام دهیم آن است که بدانیم چه کتابهایی در آن موضوع بحث می کند.^{۱۳}

*

سرو کار دارد و در حقیقت نماینده جنبه علمی کتابشناسی است. کوشش کتابشناسی تحلیلی بر این است که اطلاعات حاصله از خصوصیات مادی کتابها را سازمان بخشد و از این طریق شواهد و مدارکی برای تاریخ کتابها و بخصوص متونی که این کتابها در زمره آنهاند به دست آورد. این روش مطالعه، همزمان با پیدایش صنعت چاپ آغاز شد و بعدها محرکی شد تا با مطالعه ویرایشهای جدید کتابهای چاپی قدیمی درباره کیفیت چاپ و انتشار و سایر مسائل آن تحقیق کنند. همچنین در کتابشناسی تحلیلی مسایلی از قبیل مؤلفان گمنام یا با نامهای مستعار و تألیفات جعلی و مخصوصاً تحقیق و تتبع در اقتباسها و منابع متون، مورد بحث قرار می گیرد.^{۱۸}

«در این نوع کتابشناسی، منابع مربوط به یک موضوع، رشته یا شخص خاصی توسط کتابشناسی خیره یا متخصص موضوعی با دقت بررسی، توصیف، معرفی، تحلیل و نقادی می شود. کتابشناسی تحلیلی یکی از بهترین و مفیدترین ابزار پژوهشهای علمی است.»^{۱۹}

ب- توصیفی (Descriptive)

«در کتابشناسی توصیفی بیشتر جنبه های هنری کتابشناسی در نظر است و هدف مستقیم آن شناساندن و توصیف مرتب و منظم کتابهایی است که برای تحقیق در منظور خاصی ممکن است به آنها نیاز باشد، و یا کتابهایی که خصوصیات مشترک دیگری با یکدیگر دارند. کتابنامه نیز در حقیقت محصول برجسته این روش است.»^{۲۰}

«کتابشناسی توصیفی دارای سه وظیفه اساسی است:

- ۱) تعیین کتابهایی که درباره هر موضوع وجود دارد
- ۲) توصیف یکایک آنها (۳) تنظیم آنها به شکلی که بتواند برای مطالعه یا ارجاع مفید واقع شود.

تفاوت کتابشناسی شمارشی و توصیفی در این است که در کتابشناسی شمارشی اطلاعات کتابشناسی بسته به هدف تنظیم به حداقل ممکن کاهش می یابد؛ و حال آنکه

۱۶ و ۱۷. ابرامی، هوشنگ: شناختی از دانش شناسی، تهران، انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۶، ص ۱۵۴.

۱۸. مرادی، نورالله: با کتابهای مرجع آشنا شویم. ۱- کتابشناسیها، کتابدار، دوره دوم، ش ۱ و ۲.

۱۹. راهنمای تدوین همانجا، ص ۸.

۲۰. با کتابهای مرجع، همانجا، ص ۴۸.

انواع کتابشناسی

«گونه گونی علایق و سلايق مردم جامعه، دوستداران نشر و گسترش فرهنگ را بر آن داشته که به تدوین کتابشناسی های مختلف در زمینه های گوناگون دست بزنند. این کتابشناسیها نخست هدف عمده و واحدی چون اطلاع رسانی را برعهده داشته و در مرحله بعد هر کدام نیز به نوبه خود در چهارچوب وظیفه ای که برایشان تعیین شده عملکردی خاص دارند.»

آقای هوشنگ ابرامی در این باره می نویسد: «عملاً میزان افزایش انتشارات ملی و بین المللی در حدود سه برابر رشد جمعیت دنیا است. برای کتابشناسی حتی دشوار است که از عهده کنترل همه انتشارات برآید. از این رو ناگزیر خود کتابشناسی به رشته های اختصاصی و موضوعی رده بندی می شود. و اغلب یک حیطه خاص، یک شکل معین از وسایل ارتباطی و یا یک موضوع را دربر می گیرد.»^{۱۶}

آن گونه که بایسته علوم نظری است، در این مباحث نیز تعاریف و تقاسیم گوناگونی از کتابشناسی در دست است که برای اطلاع از چگونگی آنها در هر بخش به جامعترین تعاریف اشاره می شود، اما سعی شده برای آنها تقسیم واحدی در نظر گرفته شود.

*

۱- از نظر هدف

الف- تحلیلی (Analytical)

«نوع نخستین کتابشناسی عموماً به نامهای تحلیلی، انتقادی و یا تاریخی نامیده می شود و تنها برای منحصمان سودمند می افتد. در کتابشناسی تحلیلی یک اثر از هر نظر، بویژه از دو زاویه مورد مطالعه قرار می گیرد: ۱) ویژگیهای طبیعی، چون نوع کاغذ، صحافی، تصاویر و... ۲) خصوصیات متن برای تعیین اختلافات یک اثر با اثر دیگر. از این رو یک چنین کتابشناسی که مثلاً ممکن است برای آثار ادبی کلاسیک باشد، بیشتر به کار پژوهشگران می آید.»^{۱۷}

«کتابشناسی تحلیلی بیشتر با جنبه های مادی کتاب

در کتابشناسی توصیفی، کلیه اطلاعات کتابشناسی که مربوط و متعلق به کتاب است براساس ضوابط از پیش تعیین شده ذکر می‌شوند. «باورز» کتابشناسی توصیفی را «پلی به سوی نقد ادبی» می‌داند.^{۲۱}

«نوعی از کتابشناسی گزارمانی است که در آن علاوه بر مشخصات اصلی کتاب، نسخه مورد نظر را از لحاظ کاغذ، جلد و چاپ، تصاویر و دیگر جنبه‌های فیزیکی مورد بررسی قرار گرفته، ویژگیهای آن ذکر می‌شود و در مورد کتب چاپی معمولی نیز موضوع و محتوای کتاب را به طور خلاصه وصف و معرفی می‌کند. کتابشناسی نسخ خطی را از نوع کتابشناسی توصیفی می‌دانند.»^{۲۲}

۲- از نظر دامنه موضوعی

از این دیدگاه کتابشناسی را به دو گروه عمومی و اختصاصی تقسیم می‌کنند.

الف- عمومی (General)

«کتابهایی که در این نوع از کتابشناسیها مشخصات آن داده می‌شود، منحصر به موضوعی خاص نبوده، از گوناگونی موضوعی برخوردارند. به عبارت دیگر این کتابشناسی هر نوع کتابی را دربر می‌گیرد.»^{۲۳}

«این نوع کتابشناسیها بیشتر به وسیله کتابداران، ناشران و کتابفروشان مورد استفاده قرار می‌گیرند. کتابشناسی ملی ایران، الذریعه الی تصانیف الشیعه، و فهرست کتابهای چاپی فارسی، نمونه‌های خوبی برای کتابشناسی عمومی هستند.»^{۲۴}

ب- اختصاصی (Allotted)

«کتابشناسی‌های اختصاصی به موضوع، فرد و یا حوزه معینی اختصاص دارند، و اغلب ابزار کار پژوهشگران است. کتابشناسی‌های اختصاصی را می‌توان به صورت زیر تقسیم کرد:

اول- کتابشناسی‌های موضوعی (Subject)

آقای کامران فانی گفتاری در باب «کتابشناسی موضوعی فارسی» نوشته‌اند که به نقل بخشهایی از آن در زمینه اهمیت این گونه کتابشناسی‌ها مبادرت می‌شود:

«اهمیت کتابشناسی موضوعی فارسی از چند لحاظ مورد توجه است: نخست آنکه مهمترین ابزار کار خواننده و کتابدار جهت گزینش کتاب است و هرگاه این کتابشناسی با توصیف کوتاهی از هر کتاب همراه باشد

عمل گزینش را بسیار سهل می‌نماید و می‌توان ارزشیابی خود را بر مبنای همین توصیفات گذارد و گزیده‌ترین و مناسب‌ترین کتابهای مورد نظر را انتخاب کرد. کتابشناسی موضوعی از سوی دیگر کار پژوهنده و دانشجو را سهل می‌کند... از کتابشناسی موضوعی می‌توان موضوعات و مسائل خاص را استخراج کرد و کتابشناسیهای موضوعی اختصاصی ترتیب داد. مثلاً کتابشناسی موضوعی پزشکی...

کتابشناسی موضوعی، وضع و موقع کتاب را در ایران روشن خواهد کرد: اینکه تاکنون چه کرده‌ایم و اکنون در کجا ایستاده‌ایم و اینکه در هر رشته چه کتابهایی منتشر شده و در چه زمینه‌هایی هنوز کتاب نداریم... کتابشناسی موضوعی می‌تواند راهنمایی باشد برای انجام تحقیقاتی که هنوز زمینه آن خالی است و...»^{۲۵}

«کتابشناسیهای موضوعی سیاهه یا صورتی از موادی است که در زمینه موضوعی خاص منتشر شده باشد. وقتی موضوع کتابشناسی برگزیده شد، آنگاه محدودیتهای دیگر چون زمان، شکل، حدود جغرافیایی و مانند اینها را می‌توان در نظر داشت. با این همه باید گفت که چنین عواملی در کتابشناسی موضوعی، برخلاف کتابشناسی ملی، کمتر در نظر گرفته می‌شود. کتابشناسی شعر نو در ایران، فهرست مقالات و کتب فلسفی نمونه‌هایی از کتابشناسی موضوعی هستند.»^{۲۶}

«در این نوع کتابشناسیها، مشخصات کتابها و مواد دیگر، از قبیل جزوه، نشریه، نقشه، نوار، صفحه و... را درباره موضوعی خاص «فهرست می‌کنند و طبق یکی از نظامهای رده‌بندی شناخته شده یا در داخل خود در موضوع تنظیم می‌نمایند.»^{۲۷}

«شیوه تنظیم و ویژگیهای خاص چنین کتابشناسی به

۲۱. وحدت در کتابشناسی. همانجا، ص ۲۱۲.

۲۲ و ۲۳. راهنمای تدوین، همانجا، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۲۴. با کتابهای مرجع، همانجا، ص ۲۱۲.

۲۵. کتابشناسی موضوعی فارسی، همانجا، ص ۷۶-۷۷.

۲۶. با کتابهای مرجع، همانجا، ص ۴۹.

۲۷. راهنمای تدوین، همانجا، ص ۱۸.

این زمینه انجام داد و نیز فدراسیون بین المللی انجمنهای کتابداری (ایفال) دفتری برای کنترل کتابشناختی جهانی در کتابخانه موزه بریتانیا دایر کرده است. «۳۳»

دوم- کتابشناسی منطقه ای (Regional)

«این کتابشناسی، فهرست آثاری است که در یک منطقه جغرافیایی انتشار یافته باشد. تا به حال تعداد اندکی کتابشناسی که مشخصات کتابهای منتشره در گروهی از کشورهای مستقل و در عین حال وابسته به هم را در یک مجموعه دربر گرفته باشد، منتشر شده است. در مناطقی که مشکلات و مسایل مشابهی وجود دارد، انجام چنین طرحهایی ممکن است مفید باشد. برای نمونه فهرست آثار چاپی جنوب شرقی آسیا یا فهرست آثار چاپ شده در کشورهای عرب زبان آفریقا را می توان نام برد. «۳۴»

سوم- کتابشناسی ملی (National)

«کتابشناسی ملی فهرست آثار مربوط به یک کشور یا یک زبان را ارائه می دهد، اعم از آثار مکتوب یا دیداری و شنیداری. کتابشناسی ملی ممکن است جاری یا گذشته نگر باشد. کتابشناسی ملی جاری شامل کلیه آثار مکتوب اعم از کتاب، اسناد و مدارک، جزوه ها، پایاندها، و سایر مواد دیداری و شنیداری است که در داخل یک کشور و در زمان معینی مثلاً سال، فصل یا ماه جاری منتشر شود. این کتابشناسی معمولاً توسط یک یا چند سازمان رسمی که طبق قانون دریافت کننده نسخ و اسپاری مدارک هستند به طور منظم چاپ یا بوسیله ماشینهای الکترونیکی ضبط می شوند. کتابشناسی ملی ممکن است آثار مربوط به یک کشور را نیز که در خارج منتشر می شود دربر گیرد. در متن شماره ۱۵۶ است» «۳۵»

*

۲۸. وحدت در کتابشناسی، همانجا، ص ۲۱۴.
 ۲۹. حرّی، عباس: مراجع و بهره گیری از آنها، تهران، مرکز اسناد مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۸.
 ۳۰. راهنمای تدوین، همانجا، ص ۱۸.
 ۳۱. کتابشناسی حافظ، همانجا، ص ۹.
 ۳۲. با کتابهای مرجع، همانجا، ص ۴۹.
 ۳۳. سلطانی، پوری و پرویز فروردین: اصطلاحنامه کتابداری، تهران، کتابخانه ملی، ویرایش دوم، ۱۳۶۵، ص ۲۴۷.
 ۳۴. راهنمای تدوین، همانجا، ص ۱۷.
 ۳۵. اصطلاحنامه، همانجا، ص ۲۴۱-۲۴۹.

موضوع و محتوای کتابها بستگی دارد. به همین سبب این نوع کتابشناسی با توجه به فرم و شکل مواد و موضوعات مختلف بسیار فراوان و گوناگون است. چکیده ها، نمایه ها و فهرست های موضوعی مختلف از این دسته اند. «۲۸»

دوم- کتابشناسی سازمانی (Organization)

«سیاهه انتشارات سازمانها و مؤسسات مختلف دولتی و خصوصی را دربر دارند و از آنجایی که هر سازمان در جنبه و موضوعی خاص فعالیت دارد، این گونه انتشارات به موضوع یا قلمرو ویژه ای اختصاص می یابند؛ نظیر فهرست نشریات وزارت بهداشتی. «۲۹»

سوم- کتابشناسی انفرادی (پدید آور، مؤلف یا مشاهیر) (Author)

«این کتابشناسی، فهرستی است از کتابها و مقالات، و به طور کلی آثار یک نویسنده یا آنچه درباره آن نوشته اند، که گاهی توسط خود مؤلف و گاه توسط دیگران گردآوری می شود. «۳۰» مانند کتابشناسی نیمایوشیچ، مولوی. «افراد برجسته ادبی، تاریخی، سیاسی، علمی، مذهبی و هنری و غیره از هر نژاد و ملیتی موضوع کتابشناسی قرار می گیرند که این گونه آثار را کتابشناسی مشاهیر یا کتابشناسی پدید آورنده می نامند. «۳۱»

*

۳- از نظر محدوده جغرافیایی

برخی سه گونه زیر را جز کتابشناسیهای عمومی قلمداد کرده اند.

اول- کتابشناسی جهانی (Universal)

«کتابشناسی جهانی باید هر آنچه را که در زمینه ارتباطات از آغاز تاکنون چاپ و منتشر شده و یا در آینده نزدیک انتشار خواهند یافت دربر بگیرد؛ بی آنکه به زبان، قلمرو جغرافیایی، موضوع یا شکل محدود شود. در شرایط کنونی یک کتابشناسی جهانی نه برای مواد غیر چاپی وجود دارد و نه برای مواد چاپی و بیشتر به یک خواب و خیال می ماند. فهرستهای کتابخانه ملی و پاره ای فهرستهای واسطه ای کتاب به کتابشناسی جهانی نزدیکند. «۳۲»

«تاکنون کتابشناسی کلیه کتابهای جهان تدوین نشده است. فدراسیون بین المللی دکوماناسیون اقداماتی در

۴- از نظر زمانی

از این دیدگاه کتابشناسی‌ها را به سه گروه تقسیم می‌کنند:

اول- جاری یا ادواری (Current)

«این نوع کتابشناسی، همان‌طور که از نامش پیداست، کتابهای منتشر شده جاری را دربر می‌گیرد و از جهت پایان کار، مقطعی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. کتابشناسی ملی در این گروه جای دارد.»^{۳۶}

«کتابنامه‌های جاری معمولاً به صورت ادواری منتشر می‌شوند و برحسب فاصله انتشار ممکن است دارای تقسیمات زیر باشد.»^{۳۷} سالنامه، فصلنامه، ماهنامه، هفته‌نامه و روزنامه.

دوم- گذشته‌نگر، یا واپس‌نگر، متوقف، راکد (Retrospective)

«صورت کتابهایی است که در یک دوره معین از زمان گذشته منتشر شده باشد، فرضاً مانند کتابشناسی کتب فارسی در عصر قاجار.»^{۳۸}

سوم- آینده‌نگر (Prespective)

«این نوع کتابشناسی، مدارک و آثاری را که قرار است در آینده منتشر شود، معرفی می‌کند که البته اغلب از سوی ناشرین انتشار می‌یابد.»^{۳۹}

*

۵- از نظر شمول

از این دیدگاه کتابشناسی‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کنند:

اول- کتابشناسی جامع یا فراگیر (Comprehensive)

«هرگاه کتابشناسی (خواه عمومی، خواه اختصاصی) اگر سیاهه‌ای از تقریباً کلیه آثاری باشد که در آن زمینه منتشر شده‌اند، کتابشناسی جامع خوانده می‌شود. هرگاه رؤیای کتابشناسی جهانی به تحقق پیوندد، می‌توان از یک کتابشناسی جامع جهانی صحبت کرد. در شرایط فعلی کتابشناسیهای جامع با حذف یک یا چند عامل تهیه می‌شوند، مثلاً فهرست کتابهای چاپی فارسی‌مشار، کتابشناسی جامع عمومی از کتابهای چاپی فارسی است، یعنی محدودیت زبانی در تهیه و تدوین آن رعایت شده است.»^{۴۰}

دوم- کتابشناسی گزینشی یا برگزیده (Selective)

«همچنان که از نام آن برمی‌آید، هرگاه برگزیده‌ای از مجموعه انتشارات در زمینه‌ای یا محدوده جغرافیایی خاصی در سیاهه‌ای گردآوری کنیم، یک کتابنامه برگزیده در اختیار داریم. فی‌المثل کتابهای مناسب برای کتابخانه‌های دبستانی، دبیرستانی و عمومی نمونه‌ای از کتابشناسی عمومی و فهرست‌گزیده مقالات روزنامه‌های ایران، نمونه‌ای از مقاله‌شناسی اختصاصی، ولی گزیده است.»^{۴۱}

*

۶- از لحاظ اطلاعات کتابشناختی

«از این نظر کتابشناسی را به دو گروه تقسیم می‌کنند: اول- گزارمانی، یا توصیفی، تحشیه‌ای (Annotated) نوعی کتابشناسی است که حاوی توضیحات کوتاهی درباره‌ی هر یک از منابع معرفی شده باشد. این توضیحات معمولاً با دید و هدفی انتقادی برای ارائه اطلاعات بیشتر و معرفی بهتر منابع در کتابشناسی درج می‌شود. همین دیدگاه است که این نوع کتابشناسی را از کتابشناسی توصیفی متمایز می‌کند.»^{۴۲}

دوم- غیر گزارمانی (بدون توضیح)

*

۷- از نظر شکل کتابشناختی

«کتابشناسیها از لحاظ نوع و شکل موادی که سیاهه می‌کنند، دارای تقسیمات زیرند:

اول کتابنامه یا کتابشناسی: این گونه منابع تنها آن دسته از مواد را سیاهه می‌کنند که مستقل بوده و وابسته به هیچ‌گونه مجموعه یا نشریه‌ای نباشند. شکل ظاهری موادی که به این گونه منابع راه می‌یابند ممکن است کتاب-به‌معنای سنتی آن- یا به اشکال دیگری از قبیل جزوه، فیلم، میکروفیلم، صفحه و امثال آن باشد. کتابنامه‌ها دو گروه عمده دارند: عمومی و اختصاصی.»

۳۶. راهنمای تدوین، همانجا، ص ۱۰ و ۱۶ راهنمای تدوین، همانجا، ص ۲۱.

۳۷. مراجع و بهره‌گیری، همانجا، ص ۵۲.

۳۸. فهرست‌نامه کتابشناسیهای ایران، همانجا، ص ۷.

۳۹. راهنمای تدوین، همانجا، ص ۲۲.

۴۰ و ۴۱. باکتابهای مرجع...، همانجا، ص ۵۰.

۴۲. راهنمای تدوین، همانجا، ص ۱۵.

دوم - مقاله نامه: «مقاله نامه‌ها منابعی هستند که صرفاً مشخصات مقاله‌های نشریات ادواری را دربر دارند. و ممکن است عمومی یا اختصاصی باشند.» مانند فهرست مقالات فارسی.

سوم - چکیده نامه: «چکیده نامه منبعی است که علاوه بر ذکر مشخصات مقاله‌ها، خلاصه‌ای نظام یافته از محتوای هر مقاله را ذیل نام آن مقاله ذکر می‌کند تا جوینده قبل از مراجعه به مقاله اصلی، از محتوای آن آگاه گردد. چکیده نامه‌ها معمولاً موضوعی هستند. چکیده مقاله‌های مجله‌های ایران در زمینه علوم اجتماعی از آن جمله است.»

چهارم - جنگ نامه‌ها: «جنگ‌ها مجموعه‌هایی هستند که از قطعات مستقل و جداگانه ترکیب یافته باشند؛ نظیر مجموعه شعر، ... مجموعه مقالات ... منابعی که نوشته‌های این گونه مجموعه‌ها را به تفکیک سیاهه کنند جنگنامه خوانده می‌شود.» و آنها خود بر دو دسته اند: عمومی و موضوعی.

پنجم - کتابنامه کتابشناسیها: «تعداد کتابشناسیها پیوسته رو به افزایش است و مواد اطلاعاتی از نقطه نظرهای مختلف در کتابشناسیهای متفاوت گردآوری می‌شوند. بنابراین به منابعی نیاز هست که کتابشناسیها را سیاهه کنند. این گونه منابع را که کتابنامه‌ها، مقاله نامه‌ها، جنگ نامه‌ها و نظایر آنها را سیاهه می‌کنند، کتابنامه کتابشناسیها می‌خوانند. فهرست نامه کتابشناسیهای ایران از آن جمله است.»^{۴۳}

ششم - فهرست و فهرستگان: «فهرست سیاهه منظمی است که قسمتی و یا تمام مجموعه یک کتابخانه را دربر می‌گیرد. فهرست یک کتابخانه معمولاً به صورت برگه‌ای برای استفاده مراجع کتدگان نگهداری می‌گردد. گاه ممکن است کتابخانه‌ای فهرست موجودی خود را به صورت چاپی نیز منتشر نماید ... فهرست نسخ خطی در این گروه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مجموعه چند فهرست را در یک نظم معین و واحد فهرستگان می‌نامند که توسط آن معلوم می‌گردد کدام کتابخانه چه کتابهایی را دارد.»^{۴۴}

هفتم - کلیدهای دیگر: «منابع دیگری می‌توان یافت که در هیچ یک از تقسیمات بالا نمی‌گنجد. لیکن زیر

پوشش کلی کتابشناسی قابل بحثند و نگنجیدن آنها در مقوله‌های فوق دلیل بر بی‌ارزشی آنها نیست. از آن جمله اند:

الف - نقد و بررسی و معرفی کتابها: نشریاتی از قبیل راهنمای کتاب، نشر دانش، کیهان فرهنگی، آینه پژوهش و ... به نقد یا بررسی نقد گونه‌ای از کتابهای ارزنده بازار یا وابسته به زمینه‌ای خاص می‌پردازند که برای آشنایی کلی با محتوای کتابها و نقاط ضعف و قوت آنها مفید است ...

ب - فهرست مندرجات مجله‌ها: منابعی هستند که روبرداشتی از صفحه فهرست مندرجات مجلات مختلف را تهیه کرده، در یک مجموعه گرد می‌آورند و با فواصل انتشاراتی معین منتشر می‌کنند ...

ج - کتابشناسی پایان کتابها و مقالات: یکی از ارزشمندترین منابعی که می‌توان در یک زمینه یافت، سیاهه منابعی است که در پایان نوشته‌های تحقیقی و علمی ذکر می‌شود.»^{۴۵}

*

۸- از نظر شیوه تنظیم

«در تنظیم کتابشناسی یکی از سه شیوه زیر مراعات می‌شود:

۱- الفبایی: یعنی مرتب به اسم مؤلف یا اسم کتاب یا رؤوس موضوعات و یا مخلوطی از این هر سه، مثل کتاب لغت (فرهنگ وار).

۲- دستگاهی (موضوعی یا رده‌ای): آن است که به ترتیب تقسیم بندی منظم علمی، یعنی مطابق با جدولی معین باشد. (مانند تقسیم بندی دهگانه بین المللی یا دهگانه دیویی و نظایر آن.)

۳- سنواتی [یا تقویمی]: به ترتیب تاریخ انتشار کتاب.»^{۴۶}

۴۳. مراجع و بهره‌گیری، همانجا، ص ۵۵-۵۵.

۴۴. با کتابهای مرجع ...، ص ۵۱-۵۲.

۴۵. مراجع و بهره‌گیری، ص ۵۵-۵۶.

۴۶. فهرست نامه، ص ۷.

ویرایش‌های اصیل است. این کتابشناسی در حقیقت بخشی از تاریخ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یک عصر است و حتی به گفته استاکس مهمتر از آن است که «بخش ناچیزی از تاریخ فرهنگی» اش بنامیم، ولذا بزرگترین خطری که این نوع کتابشناسی را تهدید می‌کند آن است که از جریان اصلی تاریخ و مطالعات تاریخی برکنار بماند. «^{۵۰}

اهداف کتابشناسی

پس از آشنایی با تاریخچه، اهمیت و ضرورت و انواع کتابشناسیها، می‌توانیم باز به این مطلب پردازیم که «در فرآیند تحقیق ... با شیوه‌های متعارف امروزی، گردآوری اسناد و مدارک (منابع و مآخذ) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به واقع، ارزش و اعتبار هر پژوهشی، بستگی به حدود و ابعاد شناسایی مدارک و مآخذ دارد.

پراکندگی سازمانهای تولیدکننده اطلاعات و نهادها و مؤسسات نگهدارنده مدارک عملاً مانع تحقیق امر شناسایی و دسترسی به مدارک برای پژوهشگران است. بدین جهت امر تدوین فهرستها و کتابنامه‌ها به جهت راهنمایی محققین در شناسایی مدارک، خود بخشی از فرایند پژوهش است. «^{۵۱}

«جس شرا» کاربرد کتابشناسی را دارای سه هدف می‌داند:

- ۱- رابطه اطلاعاتی و علمی میان اعضای یک گروه.
 - ۲- رابطه میان گروههای مختلف تحقیق.
 - ۳- رابطه گروهها با افرادی که نظریه‌ها و فرضیات علمی را در عمل پیاده می‌کنند و در عنایت عامه مردم. «^{۵۲}
- و در مرحله بعد این اهداف را برای کتابشناسیهای تخصصی قائل شده‌اند:

الف. شناسایی مطالعات و تحقیقاتی که تا زمان تدوین هر کتابنامه یا تا زمان شروع هر تحقیق صورت گرفته است.

۴۷-۵۰. وحدت در کتابشناسی، ص ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴ و ۲۱۵.

۵۱. مفتخری نظری پور، طاهره: کتابنامه معماری، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۶۹. مقدمه.

۵۲. وحدت در کتابشناسی، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

دیگر کتابشناسیها

۱- کتابشناسی شمارشی یا نظام یافته (Enumerative / Systematic)
«نقش اساسی این نوع کتابشناسی تعیین و توصیف کتابهایی است که ممکن است برای هدف خاصی مناسب بوده و یا دارای ویژگیهای مشترک باشند. این نوع کتابشناسی را از آن جهت نظام یافته می‌خوانند که دو نکته در آن شایان توجه است. یکی اطمینان بر این مطلب که عمل گردآوری، با توجه به منظور تألیف، دقیق و کامل انجام می‌پذیرد. دیگر آنکه عمل توصیف با ضوابط پذیرفته شده هماهنگ باشد.

در این نوع کتابشناسی، کتاب به عنوان یک «واحد فکری» مورد نظر قرار می‌گیرد و هدف آن جمع‌آوری و تنظیم اطلاعات در باب کتاب یا کتابهای خاص به شیوه‌ای منطقی و مفید است. یک کتابشناسی شمارشی به مختصرترین توصیف نیاز دارد و می‌کوشد هر اثر و ویرایش‌های مختلف آن را مشخص سازد. «^{۴۷}

۲- کتابشناسی انتقادی (Critical)

«این کتابشناسی ... با توجه به کیفیت انتقادی آن در دو مورد به کار می‌رود:

الف) فعالیتی که همانند کتابشناسی تحلیلی در خدمت نقد متون و نسخ قرار می‌گیرد که در حقیقت جنبه‌ای است از کتابشناسی تحلیلی.

ب) موردی است که کتابشناسی فهرستی از کتب فراهم می‌آورد و به نقد آنها می‌پردازد، که طبعاً این جنبه بیشتر به تاریخ ادبیات و نقد ادبی مربوط می‌شود تا به کتابشناسی. «^{۴۸}

۳- کتابشناسی متنی (Textual)

«هدف این کتابشناسی مطالعه متون است با توجه به این نکته که بررسی و آزمایش دقیق ویژگیهای کتابشناختی یک اثر، گاه می‌تواند میزان اعتبار یک متن را روشن سازد. با توجه به هدف این کتابشناسی، آن را می‌توان جنبه‌ای از کتابشناسی تحلیلی یا انتقادی شمرد. «^{۴۹}

۴- کتابشناسی تاریخی (Historical)

«کتابشناسی تاریخی در پی تعیین و تشخیص

ب. واسطه، محمول، و ابزار انتقال اطلاعات درباره یک موضوع.

ج. تعمیم و گسترش ابعاد مطالعاتی که در حال حاضر و در آینده صورت خواهد گرفت. « ۵۳

خصوصیات کتابشناسی

گفته شده که کتابشناسی در هر سطحی که می خواهد باشد، باید بر سه رکن استوار باشد:

۱- گردآوری و تدوین کامل همه منابع اطلاعاتی چاپ شده و نشده.

۲- شناسایی اماکن مختلفی که این منابع در آنجا قرار دارند.

۳- فراهم آوردن کتابشناسی موضوعی کلیه علوم.

این ارکان مهم خود بر اصولی استوارند که عبارتند از: رعایت قانون امانت یا ثبت انتشارات، پدید آوردن کتابشناسی واحد به وسیله تهیه فهرستهای واحد با استفاده از منابع اطلاعاتی و رعایت اصول صحیح فهرست نویسی و هماهنگ کردن ارتباطات و تبادلات میان کتابخانه ها و مؤسساتی که در زمینه کتابشناسی فعالیت دارند. « ۵۴

و نیز نوشته اند: «برای تهیه یک کتابشناسی دو مرحله اساسی لازم است. نخست شناخت کامل اینکه چه چیز مورد نیاز است. دوم، تعیین سطح و میزان مورد لزوم در آن موضوع ... در تهیه و استفاده از کتابشناسی، بایستی از اصولی معین پیروی کرد که پاره ای از آنها چنین است:

۱- درجه اعتبار و اعتماد

۲- حدود موضوع

۳- نحوه تنظیم کتابشناسی

۴- اطلاعات کتابشناختی

۵- برآورد و آزمایش کارایی آنچه شده است. « ۵۵

*

نتیجه و پیشنهاد

کتاب عصاره تجربه، دانش و عمر انسانها و نشانه هویت و شخصیت یک ملت و کشور است. وظیفه انتقال آموخته ها و تجربه های نسلهای پیشین را به نسلهای پسین بر عهده دارد، و در یک کلام کتاب پایه اصلی تمدن بشری است. هر چند «امروزه از کتاب به عنوان تنها وسیله ثبت و انتقال اطلاعات نمی توان استفاده کرد؛ و سایل دیگری

نظیر فیلم، میکروفیلم، صفحه، نوار و نظایر آن را باید در این زمینه در نظر داشت. علم نیز در ارتباط با انبوه مدارک علمی با رشدی تصاعدی در حال توسعه است و دانشمندان هر چه بیشتر درباره موضوعات گوناگون تحقیق کنند، قلمرو پژوهش آنها وسیعتر شده و نرخ افزایش و رشد علم بالاتر خواهد رفت. « ۵۶

برای آگاهی از وجود این گنجینه ها، نیاز به کتابشناسیها داریم و این میسر نمی گردد مگر با پشتکار و همت اندیشوران و فرهیختگان و کمک سازمانهای دولتی و ملتی. کتابشناسیها به دلایل گوناگونی که اشاره خواهد شد، در راه تدوین و چاپ با دشواریهای چندگانه ای روبرو هستند که هم پژوهندگان و هم ناشرین چندان تمایلی به روی آوردن به آن را ندارند.

امیدواریم که در این دوران که بیش از پیش به ضرورت و اهمیت کارهای علمی و سامان یافته و پرهیز از دوباره کاریها و اتلاف وقت واقف گشته ایم، مسؤولان مراکز ذیربط تسهیلات و امکاناتی در جهت حمایت از پژوهشگران و چاپ کتابهای مرجع و پایه، فراهم کنند. « ۵۷

*

محققین ارجمند می توانند برای آگاهی بیشتر نگاه کنند به:

۱. آرام، احمد: کتابشناسی، یادنامه علامه امینی، تهران: انجام کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۱۹-۳.
۲. آذرنگ، عبدالحسین: کتابشناسی، کتاب امروز (بهار ۱۳۵۱)، ص ۶۸-۷۲.
۳. افشار، ایرج: کتابشناسی مهمترین وسیله ایرانشناسی، راهنمای کتاب، س ۹، ص ۲۴۷-۲۵۱ یا در مجله مهر، س ۱۲، ص ۴۷۵-۴۷۷.

۵۳. کتابنامه معماری، مقدمه.
۵۴. محمد الهادی، محمد: فرآیند کتابشناسی در جهان عرب، ترجمه لمیعة ضمیری، نامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۱۱، ش ۱ (بهار ۱۳۵۷)، ص ۵۷-۶۶.
۵۵. باکتابهای مرجع ...، ص ۵۴-۵۵ با تلخیص.
۵۶. میرزاده، احمد: اصول نگاهداری و بازیابی مدارک فارسی، تهران: سروش، ۱۳۵۸، ص ۹.
۵۷. مسرت، حسین: مرجع نگاری و دشواریهای آن در ایران، ادبستان، ش ۱۶ (فروردین ۱۳۷۰)، ص ۵۹.